



مقایسه توالی‌های کلیشه‌ای در زبان انگلیسی به‌عنوان زبان مشترک و زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بومی در سخنرانی‌های دانشگاهی

فرزانه خدابنده*

(نویسنده مسئول)

استادیار آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، ایران

Email: Farzaneh.khodabandeh@gmail.com



مینا رضانی**

فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه پیام نور، ایران

Email: minaramezani442014@gmail.com



چکیده

توالی‌های کلیشه‌ای (Formulaic Sequences) در زبان‌های مختلف مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. این پژوهش با هدف مقایسه توالی‌های کلیشه‌ای در سخنرانی‌ها در زبان انگلیسی به‌عنوان مشترک (Lingua Franca) و زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بومی (Native Language) انجام شده است. افزون بر این، این پژوهش تلاش کرده است تا کارکردهای متنی و ساختاری توالی‌های کلیشه‌ای را در محتوای دو سخنرانی ارزیابی کند. در نهایت، این پژوهش به‌هدف یافتن جایگاه توالی‌های کلیشه‌ای در جمله انجام شد. به‌این منظور، دو پیکره، یکی رونوشت‌های انگلیسی محاوره‌ای غیربومی و دیگری نوشته‌های انگلیسی محاوره‌ای آکادمیک دانشگاه میشیگان برای بررسی انتخاب شدند. از هر گروه، ۵۰۰۰۰ واژه گزیده شد. همچنین در این پژوهش از نرم‌افزار Antconc برای دستیابی به‌اهداف پژوهش استفاده شد. ۶۳۸ توالی کلیشه‌ای از پژوهش‌های گذشته استخراج شد و یک به‌یک در پیکره مورد بررسی قرار گرفت. این توالی‌ها براساس اهداف پژوهش و از زوایای مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که گوینده‌های غیر بومی، بیشتر از گوینده‌های بومی، از توالی‌های کلیشه‌ای استفاده می‌کنند. ضمن اینکه، بیشترین کارکرد متنی مورد استفاده در هر دو گروه گوینده‌های بومی و غیر بومی، کارکرد متنی مکانی- زمانی بود و عبارات قیدی بیشترین ساختار مورد استفاده توسط هر دو گروه بود. افزون بر این، دو گروه مورد مطالعه، از جایگاه‌های آغازین، بیشتر از سایر جایگاه‌ها استفاده کردند. بطور کلی، پژوهش حاضر کاربرد فراوانی برای دانشجویان، مدرسان و تدوین‌کنندگان برنامه‌های تحصیلی و آموزشی دارد.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۸

تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۹۹

نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

توالی‌های کلیشه‌ای، زبان انگلیسی به‌عنوان مشترک، تابع متنی، جایگاه

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/jflr.2020.309751.752 کلیه حقوق محفوظ است ۱۳۹۹

خدابنده، فرزانه، رضانی، مینا (۱۳۹۹). مقایسه توالی‌های کلیشه‌ای در زبان انگلیسی به‌عنوان زبان مشترک و زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بومی در سخنرانی‌های دانشگاهی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، (۱۰) ۳، ۵۵۸-۵۷۳.
Khodabandeh, Farzaneh, Ramezani, Mina (2020). Comparing Formulaic Sequences in English as a Lingua Franca and English as a Native Language in Academic Lectures. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (3), 558-573.
DOI: 10.22059/jflr.2020.309751.752

* فرزانه خدابنده عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور است. او ۱۵ سال سابقه تدریس در دانشگاه پیام نور را دارد.
** مینا رضانی مترجم زبان انگلیسی، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی دانشگاه پیام نور



Comparing Formulaic Sequences in English as a Lingua Franca and English as a Native Language in Academic Lectures



Farzaneh Khodabandeh*

(corresponding author)

Assistant Professor, Department of Linguistics and Foreign Languages, Faculty of Humanities, Payame Noor University
Iran

Email: Farzaneh.khodabandeh@gmail.com



Mina Ramezani**

English Language Translator, Department of Linguistics and Foreign Languages, Faculty of Humanities, Payame Noor University
Iran

Email: minaramezani442014@gmail.com

ABSTRACT

The high significance of Formulaic sequences (FSs) in each language is an acceptable issue which almost all scholars have consensus over it. This study aimed at comparing the use of FSs in Lingua Franca English (ELF) and English as Native Language (ENL) lectures. Additionally, it attempted to discover the textual and structural functions of used FSs in two corpora of lectures. Finally, it aimed at finding the position of FSs in sentences. To this end, two corpora, namely the transcribed corpus of spoken English of ELF and Michigan were selected to be studied. From each corpus, 50,000 words were selected. The study employed Antconc software in order to accomplish its goal. Then, 638 FSs were extracted from previous studies and examined one by one in corpora. They were analyzed from different perspectives according to the objectives of the study. The results indicated non-native speakers used FSs more than native ones. Moreover, the most used textual function was saptio-temporal one both by non-native and native speakers. The most used structure by both groups was prepositional phrase. Furthermore, both groups used FSs in initial position more than other positions. The present study has implications for students, teachers, curriculum and course developers.

DOI: 10.22059/jflr.2020.309751.752

© 2020 All rights reserved.

ARTICLE INFO

Article history:

Received:

12th, September, 2020

Accepted:

19th, October, 2020

Available online:

Autumn 2020

Keywords:

*Formulaic Sequence,
Lingua Franca, Textual
Function, Position*

Khodabandeh, Farzaneh, Ramezani, Mina (2020). Comparing Formulaic Sequences in English as a Lingua Franca and English as a Native Language in Academic Lectures. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (3), 558-573.

DOI: 10.22059/jflr.2020.309751.752

* Farzaneh Khodabandeh: Ph.D. in TEFL, MA in TEFL, BA in English literature; author of six academic textbooks; presentation in more than 20 international conferences; published papers in various journals; 20-year experience of teaching English; 15 years of teaching and research in distance education; advisor and reader to over 20 post-graduate theses.

** Mina Ramezani: English Language Translator, Holding M.A degree in English Language Teaching from Payam Noor University

۱. مقدمه

اصطلاحات ثابت یا هم‌آیندها به‌عنوان یکی از روش‌های مناسب برای بهبود مهارت‌های ارتباطی زبان‌آموزان، در مرکز توجه زبان‌شناسی کاربردی قرار گرفته است. این واژه‌ها، توالی‌های کلیشه‌ایند که با عناوین دیگری مانند مجموعه‌ها، توده‌ها یا فرمول‌های واژگانی شناخته شده‌اند. ری (Wray, 2008) توالی‌های کلیشه‌ای را به‌عنوان "واژگانی که به‌منظور ارتباط اجزای داخل عبارت با یکدیگر به‌منظور ایجاد معنا، ارتباط قوی دارند" تعریف کرده است (ص ۹). توالی‌های کلیشه‌ای ساختارهای پیش‌ساخته چندکلمه‌ایند (Appel, & Trofimovich, 2017) که در مغز انسان به‌صورت کلی ذخیره شده‌اند و زمانی که فرد در حال صحبت کردن است، به‌خاطر آورده می‌شوند (Wood, 2010). کلمه کلیشه‌ای می‌تواند دربرگیرنده انواع مختلفی از فرمول‌های زبانی مانند ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات، صورت‌های واژگانی پیچیده و توالی‌های ثابت باشد (Myles & Cordier, 2017). از نظر معنایی، رشته‌های واژگانی که به‌صورت ثابتی فرموله شده‌اند، و به‌صورت همان بلوک‌های واژگانی تکی از زبان قابل بازیابیند (Schmitt, 2004). با این وجود، پژوهشگران اتفاق نظر دارند که توالی‌های کلیشه‌ای، واژگانی پیش‌ساخته‌اند که در مغز به‌صورت کل ذخیره شده‌اند و به‌صورت کل نیز قابل بازیابی‌اند (Wood, 2010) و به‌عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته گوینده‌های بومی زبان شناخته شده‌اند (Le-Thi, Rodgers & Pellicer, 2017).
بایبر و همکاران (Biber et al., 2002) نشان دادند که ۳۰ درصد زبان‌گفتاری و حدود ۲۱ درصد از متون آموزشی رسمی دارای توده‌های پیش‌ساخته‌اند. از نظر کنکلین و اشمیت (Conklin & Schmitt, 2008) نیمی از متون گفتاری و نوشتاری زبان؛ پیش‌ساخته‌اند که به‌عنوان بخش مهمی از دانش زبانی بومی در نظر گرفته می‌شود و به‌اثرگذاری ارتباطی آن‌ها کمک می‌کند (Wray, 2017). استفاده از بیان ثابت و قابل پیش‌بینی روش مفیدی برای گویندگان بومی است تا نشان‌دهند که به‌چه میزان در برقراری ارتباط از طریق زبان مادری‌شان توانا و روانند (Schmitt, 2011). تجزیه و تحلیل‌های

روانشناسی شناختی، وسواس غیرمعمول سخنرانان، برای استفاده مکرر از طیف وسیعی از توالی‌های کلیشه‌ای را آشکار می‌کند (Ellis, 2008).

پژوهش‌های نشان داده است که دانش و آگاهی از توالی‌های کلیشه‌ای به‌صورت معناداری بر کارکرد مهارت‌های خواندن (Kremmel, Brunfaut, & Alderson, 2017) و روان‌نوشتن (Bestgen, 2017) زبان خارجی اثر گذار است. همچنین، استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای به‌زبان‌آموزان زبان خارجی کمک می‌کند تا در گفتار خود مسلط‌تر باشند (McGuire & Larson-Hall, 2017) و استفاده از آن‌ها برای موفقیت در امور ارتباطی بسیار مهم است (Buerki, 2018). افزون بر این، آموزش توالی‌های کلیشه‌ای به‌زبان‌آموزان کمک می‌کند تا از خطاهای دستوری اجتناب‌ورزند (Jiang & Nekrasova, 2007). استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای، همانند منطقه‌ای امن برای دانش‌آموزانند که کاربرد درست آن‌ها می‌تواند ریسک خطا را برای یادگیری یک‌زبان خارجی کاهش دهد (Boers & Lindstromberg, 2008). افزون بر این، عادت کردن در بکاربردن همایی‌های به‌هم پیوسته در زبان، باعث می‌شود که گویشوران، به‌عنوان گویشوران بومی به‌نظر آیند (Howarth, 1998).

مطالعه توالی‌های کلیشه‌ای، موضوع جدیدی در پژوهش‌های زبان‌شناسی نیست. پژوهشگران بسیاری توالی‌های کلیشه‌ای را در داخل و خارج از ایران مورد پژوهش قرار داده‌اند. با این حال، پژوهش حاضر، برآن است به‌گونه‌ای متفاوت به‌آن بپردازد. نخست، از چارچوب هالیدی (Halliday, 2014) برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره می‌گیرد. این مدل بطور دقیقاً به‌اصطلاحات توالی‌های کلیشه‌ای اشاره دارد که ممکن است با دیگر اصطلاحات، مانند بسته‌های واژگانی یا همایی‌هایی که در مدل‌های قدیمی‌تر یاد شده‌اند، متفاوت باشد. دوم، پژوهش حاضر به‌جای متون شفاهی بومی انگلیسی، از زبان مشترک (lingua franca) استفاده می‌کند. اعتقاد بر این است که زبان مشترک؛ نوعی انگلیسی است که از زبان انگلیسی بومی متفاوت است. این زبان توسط افرادی استفاده می‌شود که فرهنگ و زبان اول آن‌ها مشترک نیست و تمرکز آن بیشتر بر روی دستیابی به‌اهداف تجاری در زبان بین‌المللی است. انگلیسی به‌عنوان

یک زبان جهانی، در سراسر جهان شناخته شده و گسترده است و هنگامی مفید است که افراد برای تحقق اهدافشان، با زبان مادری خود نمی‌توانند متوجه منظور یکدیگر شوند.

پژوهش حاضر، زبان بومی انگلیسی را در نظر نمی‌گیرد و بر این موضوع که زبان مشترک (lingua franca) نوعی زبان است که توسط افراد غیر بومی و به‌شکلی متفاوت از افراد بومی استفاده می‌شود، تاکید دارد. دلیل این امر این است که آموزش زبان می‌کوشد، به‌جای اینکه زبان‌آموزان مانند گویشوران بومی انگلیسی شوند، افرادی شوند که در ارتباط برقرار کردن ماهر باشند. در نتیجه، پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی متفاوت است، زیرا از مدل متفاوتی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده می‌کند و از داده‌های مختلفی نیز استفاده می‌کند که زبان مشترک است. با توجه به اهداف پژوهش که در آن تمرکز بر توالی‌های کلیشه‌ای است، پرسش‌های زیر مطرح می‌شوند؟

۱. کاربردترین توالی‌های کلیشه‌ای مورد استفاده در سخنرانی‌های گفتاری که توسط کاربران انگلیسی بومی و غیر بومی ارائه شده، کدامند؟
۲. ساختار توالی‌های کلیشه‌ای مورد استفاده در سخنرانی‌های گفتاری که توسط کاربران انگلیسی بومی و غیر بومی ارائه شده است کدام است؟
۳. در سخنرانی‌های گفتاری که توسط کاربران انگلیسی بومی و غیر بومی ارائه شده، توالی‌های کلیشه‌ای در کدام یک از جایگاه‌های (آغازین، میانی، پایانی) جمله اتفاق می‌افتند؟

۲. پیشینه پژوهش

فورد و تامسون (Ford & Thompson, 1986) در متون انگلیسی شفاهی و مکتوب، ترکیبی از جمله‌های شرطی را مقایسه کردند. نتایج آن‌ها نشان داد که گزاره‌های شرطی بیشتر در سرآغاز جمله اتفاق می‌افتد. فیلد و ییپ (Field & Yip, 1992) استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای را در تکالیف نوشتاری دانشجویان بومی و غیربومی مقایسه کردند و اظهار داشتند که دانشجویان غیربومی نسبت به دانشجویان بومی، در متون علمی کتبی خود، دقت و کنترل بهتری داشتند. فراوانی استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای توسط میلتن و سانگ (Milton & Tsang, 1993) مورد پژوهش قرار گرفت و

استفاده بیش از حد آن‌ها گزارش شد. به‌همین ترتیب، کانر (Connor, 1996) فراوانی توالی‌های کلیشه‌ای را در متون نوشتاری، بررسی کرد. وی تفاوت معناداری در استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای بین گویندگان بومی و زبان‌آموزان پیشرفته مشاهده نکرد. گرنجر و تاپسون (Granger & Tyson, 1996) موضوع استفاده بسیار از توالی‌های کلیشه‌ای را در متون نوشتاری زبان‌آموزان فرانسوی بررسی کردند. براساس نتایج پژوهش آن‌ها، به‌نظر می‌رسد که زبان‌آموزان فرانسوی تمایل به‌استفاده کمتر از برخی از توالی‌های کلیشه‌ای مانند در نتیجه (as a result) و استفاده بیشتر از برخی دیگر مانند در انجام این کار (in doing so) را دارند. در پژوهش مشابهی، آلتنبرگ و تاپر (Altenberg & Tapper, 1998) نشان دادند که مقالات نوشته شده توسط زبان‌آموزان پیشرفته سوئدی، به‌میزان کمتری از توالی‌های کلیشه‌ای استفاده می‌کنند. افزون بر این، ژانگ (Zhang, 2000) استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای را در مقالات نوشته شده توسط چینی‌ها بررسی کرد، وی رابطه‌ای بین تعداد استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای و کیفیت نوشته‌های آن‌ها نیافت. بولتون نلسون و هانگ (Bolton, Nelson, & Hung, 2002) استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای را در متون استدلالی زبان‌آموزان بومی و زبان بین‌المللی مورد پژوهش قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که زبان‌آموزان زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بین‌المللی از تعداد بیشتری از توالی‌های کلیشه‌ای نسبت به زبان‌آموزان بومی استفاده کرده‌اند. نتایج آن‌ها نشان داد که زبان‌آموزان زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بین‌المللی، از توالی‌های کلیشه‌ای آغازین بیشتری استفاده کرده‌اند. وود (Wood, 2006) پژوهشی انجام داد تا ببیند چگونه یادگیری همایی‌های از پیش ساخته ممکن است بر توانایی مهارت صحبت کردن زبان‌آموزان در زبان تأثیر بگذارد. او ادعا کرد چنانچه زبان‌آموزان بتوانند توالی‌های کلیشه‌ای را به‌صورت کل به‌حافظه بسپارند و در موقعیت‌های واقعی و مناسب مورد استفاده قرار دهند، استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای می‌تواند موجب بهبود مهارت زبان‌آموزان شود. چن (Chen, 2006) فراوانی استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای را در متن‌های نوشته‌شده توسط دانشجویان کارشناسی ارشد تایوانی مورد بررسی قرار داد و استفاده بیش از حد از توالی‌ها را گزارش کرد.

به‌طور مشابه، جلیلی‌فر (Jalilifar, 2008) مطالعه‌ای را انجام داد تا دریابد زبان‌آموزان ایرانی زبان انگلیسی به‌عنوان

زبان بین‌المللی به‌چه میزانی از توالی‌های کلیشه‌ای در تکالیف نوشتاری خود استفاده می‌کنند؟ وی به‌این نتیجه دست یافت که هر چقدر تعداد توالی‌های کلیشه‌ای در مقاله‌ها بالاتر بود، کیفیت متون نوشتاری نیز بالاتر بود. چن و بیکر (Chen & Baker, 2010) پژوهشی راجع به توالی‌های کلیشه‌ای در نوشتارهای دانشگاهی زبان اول و دوم انجام دادند و آن‌ها نتیجه‌گیری کردند که استفاده از برخی از توالی‌ها بسته به نوع رشته‌ها متفاوت است. ولی‌پور (Valipour, 2010) و پرویزی (Parvizi, 2011) استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای را در رشته آموزش پژوهش کردند، با این تاکید که انواع مختلف توالی‌ها به‌مجموعه واژگانی ویژه بستگی دارد. رحیمی (Rahimi, 2011) نیز، فراوانی توالی‌های کلیشه‌ای را در دو گروه مقاله نوشتاری توسط ۵۴ زبان‌آموز ایرانی زبان انگلیسی، به‌عنوان زبان بین‌المللی، مورد پژوهش قرار داد. وی بر این باور بود که شمار توالی‌های بیشتری در متون استدلالی، در مقایسه با متون تفسیری (توضیحی)، استفاده شده است. طالبی‌نژاد و نامدار (Talebinejad & Namdar, 2011) در پژوهشی، کاربرد توالی‌های کلیشه‌ای را درخوانش کتاب‌ها واکاوی کردند. نتایج به‌دست آمده، نشان‌داد که توالی‌ها در بخش خوانش متون ایرانی، به‌میزان مناسب استفاده نشده است که این امر سبب ایجاد مشکلات درک مطلب برای زبان‌آموزان شده است.

در خارج از ایران، زاروا (Zareva, 2011) فراوانی توالی‌های کلیشه‌ای را در مهارت صحبت‌کردن در ارایه سخنرانی‌های دانشگاهی، بررسی کرد، نتایج وی نشانگر استفاده بیش از حد برخی از توالی‌های کلیشه‌ای بود. لی (Lei, 2012) کاربرد توالی‌های کلیشه‌ای را توسط دانشجویان چینی دانش‌آموخته در رساله‌هایشان واکاوی کرد و استفاده بیش از حد از توالی‌های کلیشه‌ای را گزارش کرد. به‌طور مشابه، استاپلز و همکاران (Staples, Egbert, Biber, & McClair, 2013) فراوانی توالی‌های کلیشه‌ای و استفاده از آن‌ها توسط دانشجویان انگلیسی را بررسی کردند و تأیید کردند که زبان‌آموزان سطوح پایین‌تر از توالی‌های کلیشه‌ای در نوشتن خود بیشتر استفاده می‌کنند.

به‌طور خلاصه، می‌توان درک کرد که آموزش استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای، می‌تواند راهی مناسب برای بهبود مهارت‌های ارتباطی زبان‌آموزان باشد که نقش مهمی در

آموزش و یادگیری زبان دارد. افزون بر این، برای گویشوران بومی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. مرور ادبیات نشان می‌دهد که گستره‌های زبانی، به‌زبان‌شناسی توجه کافی نداشته‌اند. افزون بر این، این مؤلفه‌های زبانی که به‌نوعی ۵۰ درصد از زبان انگلیسی را تشکیل می‌دهند (Wray, 2008)، در متون ایرانی مورد پژوهش قرار نگرفته‌اند. بنابراین، برای پر کردن این شکاف در ادبیات، پژوهش کاملی لازم است. پژوهش حاضر با هدف پر کردن این شکاف با تجزیه و واکاوی کاربرد توالی‌های کلیشه‌ای در متون فارسی و انگلیسی از نگره‌های مختلف انجام شده است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر، با تمرکز بر تجزیه و بررسی کمی و کیفی، از نوعی روش ترکیبی و مختلط برخوردار است. با این حال، روش گردآوری داده‌ها و تجزیه و بررسی آن‌ها، این پژوهش را بیشتر کمی کرده است تا کیفی. درحقیقت، این پژوهش نوعی پژوهش آزمایشی تعبیه شده و طرحی است از مخلوط روش‌های ترکیبی که کرسول (Creswell, 2014) آن را به‌عنوان مطالعه‌ای توصیف می‌کند که در آن وزن‌گیری بخش‌های کیفی و کمی نابرابر است و همزمان اتفاق می‌افتد. در بخش تفسیر نتایج، پژوهنده آن‌ها را ادغام می‌کند.

۳-۱. گروه‌ها

در پژوهش حاضر، از دو پیکره مختلف به‌منظور گردآوری داده‌ها استفاده شده است. در حقیقت، نیمی از داده‌های هدف، از پیکره دانشگاهی گفتارنویسی شده زبان مشترک (Lingua Franca) از سایت

<https://www.helsinki.fi/en/researchgroups/english-as-a-lingua-franca-in-academic-settings/research/elfa-corpus>

استخراج شده‌است که پیکره‌ای یک میلیون واژه‌ای است. این پیکره شامل سخنرانی‌های دانشگاهی است که توسط کاربران انگلیسی زبان غیربومی ارائه شده است. بخش دوم داده‌ها از انگلیسی گفتاری دانشگاهی پیکره میشیگان (MICASE) از سایت

<http://www.helsinki.fi/varieng/CoRD/corpora/MICASE/>

استخراج شده است که پیکره‌ای از متون گفتاری بومی انگلیسی است. از آنجا که تمرکز این پژوهش، شناسایی توالی

کلیشه‌ای مورد استفاده در سخنرانی‌های گفتاری است که توسط کاربران انگلیسی بومی و غیر بومی ارائه شده است، برای پژوهیدن این موضوع، لازم بود که پیکره با دقت گردآوری شود.

از نظر اندازه پیکره، از اصلی که توسط بیبر و همکاران (Biber et al., 2002) پیشنهاد کرده‌اند، پیروی شد. وی استدلال می‌کند که یک پیکره باید به اندازه کافی بزرگ باشد تا با ظرافت لازم، نمایانگر پژوهیدن ویژگی‌های پژوهش قرار گرفته باشد. وی همچنین درباره اهمیت اندازه پیکره توضیح داده است و تأکید می‌کند که این امر به هدف پژوهش بستگی دارد. بنابراین پژوهش حاضر ۱۰۰,۰۰۰ کلمه را از دو پیکره انتخاب کرده است، تقریباً ۵۰,۰۰۰ کلمه از هر یک. این کلمات تصادفی انتخاب شدند.

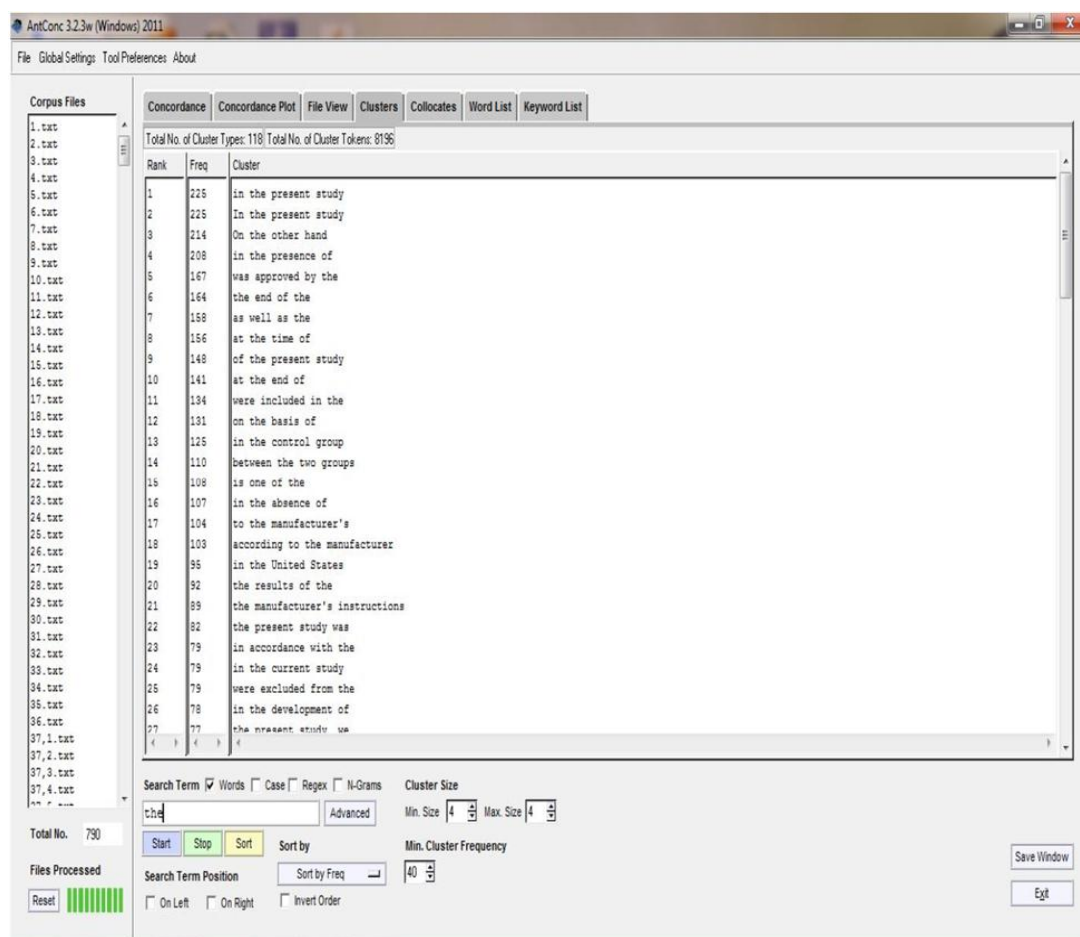
۲-۳. ابزار پژوهش

پژوهش حاضر از یک ابزار برای گردآوری داده‌های مورد نظر استفاده کرده است.

۱-۲-۳. نرم‌افزار Antconc

نرم‌افزار Antconc، نرم‌افزاری رایگان و چندمنظوره برای انجام پژوهش‌های زبان‌شناسی و یادگیری مبتنی بر داده است. این نرم‌افزار، توسط آنتونی (Laurence, 2007) طراحی شده است که شامل ابزاری از قبیل فهرست الفبایی (Concordance)، شکل Concordance، نمای فایل‌ها، خوشه‌ها (دسته‌ها) و عبارات است. فهرست واژگان و واژه‌های کلیدی در بین خوشه‌ها و فهرست الفبایی از جمله کاربردی‌ترین ابزار؛ برای تشخیص دسته واژه‌ها به طول مختلف در مجموعه‌های کوچک و بزرگ است.

با استفاده از نرم‌افزار آفیس، متن‌های ساده از نظر شمار واژه‌ها، تولید و شمارش شدند و در نرم‌افزار Antconc بارگزاری شد. با استفاده از ابزار خوشه، اندازه هر خوشه مورد شمارش قرار گرفت. سپس واژه‌های کلیدی مانند مقاله، افعال، افعال شرطی (قیدی)، حروف اضافه و صفات برجسته تایپ شد. همچنین، برش با فراوانی ۲۰ در یک میلیون کلمه نیز تنظیم شد. با ارائه این ویژگی‌ها به نرم‌افزار Antconc، این ابزار خوشه‌هایی از واژگان را نشان داد که اصطلاح مورد جستجو را به ترتیب حروف الفبا و براساس فراوانی نشان می‌داد.



شکل ۳،۱. تصویر Antconc که بسته‌های مختلف را نشان می‌دهد

۳-۳. روش

پیش از هر چیز، سخنرانی‌ها از پیکره‌ها انتخاب شدند. دو پیکره مختلف وجود داشت و ۵۰,۰۰۰ واژه از هر یک از آن‌ها استخراج شده بود. واژه‌های انتخاب شده به فایل‌های ورد آفیس (word office document) تبدیل شدند تا توسط Antconc قابل خواندن باشند. در مرحله بعد، توالی‌های کلیشه‌ای با استفاده از منابع مختلفی مانند هالیدی (Halliday, 2014)، ونگ (Wang, 2017) و ونگ

(Wang, 2018) استخراج شدند. تعداد ۶۳۸ عدد توالی‌های کلیشه‌ای وجود داشت که از اندازه‌ها و ساختارهای مختلفی برخوردار بودند. توالی‌های کلیشه‌ای انتخاب شده یک‌به‌یک مورد استفاده قرار گرفتند.

۳-۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این مطالعه، برای دستیابی به اهداف پژوهش از طبقه‌بندی ساختاری هالیدی (Halliday, 2014) استفاده شد. جدول ۳-۱. طبقه‌بندی هالیدی را نشان می‌دهد.

جدول ۳-۱. طبقه‌بندی توابع متنی (Classification of textual functions)

| مثال | تابع | زیرمجموعه | مجموعه |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------|------------------------------|
| In other words, I mean Which means that You know متظورم این است این بدان معنی است میدونی | Restatement or re-presentation of an element بازگویی یا ارائه مجدد یک عنصر | exposition شرح | Elaboration شرح و بسط |
| For instance Let's say برای مثال بباید بگوییم | Providing more details by example ارائه جزئیات بیشتر با مثال | Exemplification مثال‌آوری | |
| In particular, at least all in all, in fact به‌طور خاص، حداقل در کل، در واقع | Making the elaborated element more precise by means of particularizing, summarizing, evaluating, etc با استفاده از با جزئیات شرح‌دادن، خلاصه‌کردن، ارزیابی و غیره، جزء شرح داده شده دقیق‌تر تعریف می‌شود | Clarification شفاف‌سازی | |
| In addition, Neither ... nor Apart from افزون بر این، نه ... و نه جدا از | Adding new information related to the current information افزودن اطلاعات جدید مربوط به اطلاعات فعلی | Additive افزودنی | extension بسط |
| on the other hand in contrast از طرف دیگر در مقابل | Expressing a replaceable, subtractive, or alternative relationship بیان یک رابطه قابل تعویض، سلب‌کننده یا جایگزین | Adversative مخالف، نقض‌آمیز | |
| not ... but either ... or نه ... اما یا ... یا | Expressing a replaceable, subtractive, or alternative relationship بیان یک رابطه قابل تعویض، سلب‌کننده یا جایگزین | Variation تغییر، دگرگونی | |
| with regard to, first of all I'll show you if you look at, as I said با توجه به، اول از همه بهت نشون میدم اگر نگاه کنید، همانطور که گفتم | Signposting the macro-structure of the discourse; referring to physical or abstract entities نشانه‌گذاری ساختار کلان گفتمان؛ مراجعه به مفاهیم فیزیکی یا انتزاعی | Spatio-temporal زمانی- مکانی | Enhancement تقویت، افزایش |
| as a result, for that reason if ... then, despite that even though در نتیجه، به همین دلیل اگر ... پس، با وجود آن با اینکه | Expressing logical connection between adjacent utterances (e.g. causal-resultative, conditional, concessive) ابراز ارتباط منطقی بین گفته‌های مجاور (مثلاً علی-نتیجه ای، شرطی، امتیاز دهنده) | Causal-conditional علی شرطی | |
| as ... as as well by which means به‌عنوان ... به‌عنوان همچنین با این معنی | A statement X is made by means of comparison with another statement Y, or simply via Y. جمله X با مقایسه با جمله دیگری Y، یا به‌سادگی از طریق Y | Manner شیوه، روش | |

برای پژوهش ساختار توالی‌های کلیشه‌ای از چارچوب هالیدی (Halliday, 2014) استفاده شد. ساختار توالی‌های کلیشه‌ای در جدول ۳، ۲ نشان داده شده است.

جدول ۳-۲. طبقه‌بندی ساختار متن (Classification of textual structure)

| | |
|---------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------|
| the existence of | عبارت اسمی با of - تکه عبارت Noun phrase with of-phrase fragment |
| the present study | سایر اصطلاحات اسمی |
| as a consequence of | عبارت حرف اضافه ای + of |
| with respect to | سایر عبارت‌های حرف اضافه‌ای |
| are shown in | مجهول + عبارت حرف اضافه‌ای |
| it is likely that | Anticipatory it + verb or adjectival phrase پیش بینی it + فعل یا عبارت وصفی |
| is consistent with | رابط + be عبارت صفتی |
| this suggests that | (Verb phrase or noun phrase) + that-clause fragment (عبارت فعلی یا عبارت اسمی) + that - تکه علی |
| to account for | (Verb or adjective) + to-clause fragment فعل یا صفت + to - تکه علی |
| as described before | Adverbial clause fragment تکه علی قیدی |
| as well as | Other expressions اصطلاحات دیگر |

Antconc، نتایج نشان داد که گوینده‌های غیر بومی انگلیسی هم از نظر نوع و هم از نظر تعداد، بیشتر از گوینده‌های بومی از توالی‌های کلیشه‌ای استفاده می‌کنند. با این وجود، تمام توالی‌های مورد جستجو در دو گروه مورد پژوهش یافت نشد. ۴۲۱ نوع از توالی‌های کلیشه‌ای در گروه زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بین‌المللی و ۳۹۶ توالی در زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بومی وجود داشت.

فراوانی، جایگاه . ساختار توالی‌های کلیشه‌ای در زیر، باجزئیات توضیح داده شده است.

۴. نتایج

۴-۱. فراوانی توالی‌های کلیشه‌ای

با انتخاب چارچوب مناسب و با استفاده از نرم‌افزار

جدول ۴-۱. ۵۰ توالی کلیشه‌ای برتر به ترتیب فراوانی

| ترتیب | فراوانی | توالی‌های کلیشه‌ای در پیکره ELF | ترتیب | فراوانی | توالی‌های کلیشه‌ای در پیکره بومی |
|-------|---------|---------------------------------|-------|---------|----------------------------------|
| 1 | 23 | as well as | 1 | 26 | as well as |
| 2 | 22 | in order to | 2 | 21 | the rest of |
| 3 | 19 | the rest of | 3 | 19 | the use of |
| 4 | 19 | the results of | 4 | 18 | in order to |
| 5 | 18 | the role of | 5 | 17 | more likely to |
| 6 | 17 | of social sciences | 6 | 15 | of present studies |
| 7 | 17 | in this study | 7 | 15 | the relationship between |
| 8 | 15 | in terms of | 8 | 14 | in terms of |
| 9 | 14 | the present study | 9 | 14 | the role of |
| 10 | 14 | the use of | 10 | 11 | the fact that |
| 11 | 13 | the journal of | 11 | 11 | the number of |
| 12 | 13 | on the other | 12 | 11 | the effect of |
| 13 | 13 | the effect of | 13 | 10 | the importance of |
| 14 | 12 | of teaching language skills | 14 | 10 | as a result, |
| 15 | 12 | the relationship between | 15 | 10 | a number of |
| 16 | 11 | in other words, | 16 | 10 | the evolution of |
| 17 | 10 | quality of life | 17 | 10 | the case of |
| 18 | 10 | of this study | 18 | 9 | the development of |
| 19 | 10 | on the other hand, | 19 | 9 | the end of |
| 20 | 9 | the fact that | 20 | 9 | the same time |
| 21 | 9 | the development of | 21 | 9 | in this study |
| 22 | 9 | the most important | 22 | 8 | the university of |
| 23 | 9 | as a result, | 23 | 8 | at the same |

| | | | | | |
|-------|-----|--------------------|-------|-----|--------------------|
| 24 | 9 | of foreign affairs | 24 | 8 | on the other |
| 25 | 8 | of the study | 25 | 8 | the context of |
| 26 | 8 | the number of | 26 | 8 | to engage in |
| 27 | 8 | in the region | 27 | 8 | the effects of |
| 28 | 8 | the process of | 28 | 8 | the impact of |
| 29 | 8 | a number of | 29 | 7 | at the same time |
| 30 | 8 | the study of | 30 | 7 | the process of |
| 31 | 8 | the importance of | 31 | 7 | the nature of |
| 32 | 8 | in line with | 32 | 7 | the study of |
| 33 | 8 | in the following | 33 | 7 | in the same |
| 34 | 7 | of the country | 34 | 7 | likely to be |
| 35 | 7 | in this regard | 35 | 7 | a series of |
| 36 | 7 | the end of | 36 | 6 | of this article |
| 37 | 7 | the history of | 37 | 6 | in the context of |
| 38 | 7 | with respect to | 38 | 6 | the concept of |
| 39 | 7 | it seems that | 39 | 6 | are more likely |
| 40 | 7 | the impact of | 40 | 6 | the politics of |
| 41 | 7 | the ministry of | 41 | 6 | annual review of |
| 42 | 7 | this study was | 42 | 6 | can be found |
| 43 | 7 | the lack of | 43 | 6 | on the other hand, |
| 44 | 6 | the findings of | 44 | 6 | the emergence of |
| 45 | 6 | in addition to | 45 | 5 | the issue of |
| 46 | 6 | in relation to | 46 | 5 | a result of |
| 47 | 6 | the analysis of | 47 | 5 | ways in which |
| 48 | 6 | in the present | 48 | 5 | the idea of |
| 49 | 6 | the context of | 49 | 5 | in the first |
| 50 | 6 | at the same | 50 | 5 | are more likely to |
| total | 511 | | total | 467 | |

کلیشه استفاده شده توسط گویشوران بومی عبارتند از همچنین، بقیه، کاربرد (استفاده از)، به‌منظور، به‌احتمال زیاد، پژوهش‌های حاضر، روابط بین، از نظر، نقش، این حقیقت (as well as, the rest of, the use of, in order to, more likely to, of present studies, the relationship between, in terms of, the role of, and the fact that) از بین این ده مورد، ۸ مورد بین دو گروه متداول بودند. گویشوران غیربومی از کلمات "در نتیجه" و "مطالعه حاضر" the present study و the results of استفاده می‌کردند که در بین ده مورد برتر گویشوران بومی نبودند و همچنین گویشوران بومی از "به احتمال زیاد" و "پژوهش‌های اخیر" more likely to و of present studies استفاده می‌کردند که در بین ده مورد برتر گویشوران غیربومی نبودند، ۸ عدد از توالی‌های کلیشه‌ای مشترک بین دو پیکره بودند که دارای بالاترین فراوانی در استفاده بودند، مانند: همچنین، بقیه، استفاده، به‌منظور، ارتباط بین، از نظر، نقش، این حقیقت که. as well as, the rest of, the use of, in order to, the relationship between, in terms of, the role of, and the fact that با توجه به طبقه‌بندی متنی هالیدی (Halliday, 2014) ، هیچ تفاوتی بین گویشوران انگلیسی زبان بومی و غیربومی وجود نداشت.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که ۴۲۱ عدد توالی‌های کلیشه‌ای با فراوانی ۱۴۲۳ در ۵۰،۰۰۰ کلمه از پیکره مجموعه زبان انگلیسی، به‌عنوان زبان بین‌المللی استفاده شده است. این بدان معناست که ۲٫۸ درصد از کلمات توالی‌های کلیشه‌ای بودند. از طرف دیگر، ۳۹۶ عدد توالی‌های کلیشه‌ای با فراوانی ۱۳۷۱ توسط گویشوران بومی مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین، ۲٫۷ درصد از کلمات گویشوران بومی توالی‌های کلیشه‌ای بودند، این نتایج نشان می‌دهد که گویشوران انگلیسی زبان غیربومی بیشتر از گویشوران بومی از توالی‌های کلیشه‌ای استفاده کرده‌اند. افزون بر این، گویشوران غیربومی از ۴۲۱ توالی کلیشه‌ای استفاده کرده‌اند که بیشتر از ۳۹۶ توالی‌های کلیشه‌ای بود که گویشوران بومی از آن‌ها استفاده کرده‌اند. نتایج نشان داد که گویشوران غیربومی بیش از گویشوران بومی از توالی‌های کلیشه‌ای استفاده کرده‌اند. افزون بر این، ده مورد برتر از توالی‌های کلیشه‌ای استفاده شده توسط گویشوران غیربومی عبارتند از، as well as, in order to, the rest of, the results of, the role of, of social sciences, in this study, in terms of, and the present study (همچنین، به‌منظور، بقیه، نتایج، نقش، از علوم اجتماعی، در این مطالعه، از نظر و پژوهش حاضر). از طرف دیگر، ده مورد برتر از توالی‌های

جدول ۴,۲. توزیع توالی‌های کلیشه‌ای مجموعه‌های تابعی مختلف در داده‌ها

| مجموعه | زیرمجموعه | مثال | غیربومی | بومی |
|-----------|---------------|-----------------------------------------------------------|---------|------|
| شرح و بسط | شرح با جزئیات | In other words, I mean | 158 | 163 |
| | مثال‌آوری | For instance, Let's say | 215 | 208 |
| | شفاف‌سازی | In particular, at least | 57 | 51 |
| بسط | افزودنی | In addition, Neither ... nor | 178 | 170 |
| | مخالف | on the other hand, in contrast | 103 | 102 |
| | دگرگونی | not ... but, either ... or | 95 | 89 |
| تقویت | زمانی-مکانی | with regard to, first of all if you look at, as I said | 285 | 260 |
| | علی شرطی | as a result, for that reason if ... then, despite that | 217 | 209 |
| | روش | as ... as, as well | 115 | 119 |
| total | | | 1423 | 1371 |

توالی‌های کلیشه‌ای مثال‌آوری استفاده کرده‌اند، در حالی که گویشوران بومی ۲۰۸ تا از آن‌ها را استفاده کرده‌اند. بنابراین، نتیجه گرفته شد که بیشترین توالی‌های کلیشه استفاده شده، با توجه به توابع متنی آن‌ها، تقریباً برای هر دو گروه برابر است.

۴-۲. ساختار توالی کلیشه‌ای

سؤال دوم پژوهش این بود که ساختار توالی کلیشه‌ای در سخنرانی‌های زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بین‌المللی و زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بومی چیست؟ با توجه به چارچوب ساختار متنی، هالیدی (Halliday, 2014) به این سؤال پاسخ داده شد که در آن ۱۱ نوع توالی‌های کلیشه‌ای ارائه شده است.

نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که توالی‌های کلیشه‌ای زمانی- مکانی (spatio-temporal) بیشترین استفاده را توسط گویشوران غیربومی و بومی داشتند. گویشوران غیربومی از ۲۸۵ عدد توالی‌های کلیشه‌ای زمانی- مکانی استفاده کرده‌اند و گویشوران بومی از ۲۶۰ عدد از آن‌ها استفاده کرده‌اند. توالی‌های کلیشه‌ای شرطی (Causal-conditional) در هر دو گروه در رتبه دوم قرار داشتند. گویشوران غیربومی از ۲۱۷ عدد توالی‌های کلیشه‌ای شرطی استفاده کرده‌اند، در حالی که گویشوران بومی ۲۰۹ تا از آن‌ها را استفاده کرده‌اند. سومین توالی‌های کلیشه‌ای که فزونتر مورد استفاده قرار می‌گرفت، برای هر دو گروه نیز مثال‌آوری (exemplification) بود. گویشوران غیربومی از ۲۱۵ عدد

جدول ۴,۳. طبقه‌بندی ساختار متنی

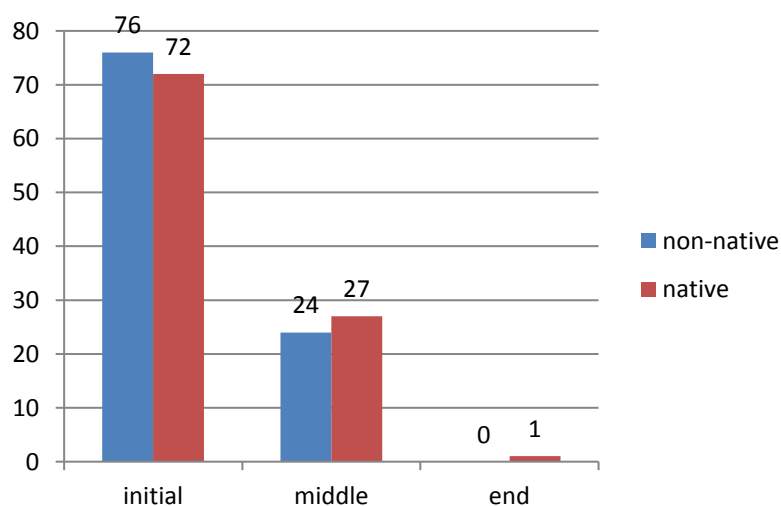
| ساختار | مثال | غیربومی | بومی |
|------------------------------|---------------------|---------|------|
| عبارت اسمی با of - تکه عبارت | the existence of, | 220 | 228 |
| سایر اصطلاحات اسمی | the present study | 71 | 62 |
| عبارت حرف اضافه‌ای + of | as a consequence of | 292 | 281 |
| سایر عبارت‌های حرف اضافه‌ای | with respect to | 342 | 334 |
| مجهول+ عبارت حرف اضافه‌ای | are shown in | 160 | 162 |

| | | | |
|---------------------------------------------|---------------------|------|------|
| پیش‌بینی + it فعل یا عبارت وصفی | it is likely that | 66 | 58 |
| رابط + be عبارت صفتی | is consistent with | 37 | 35 |
| (عبارت فعلی یا عبارت اسمی) + that - تکه علی | this suggests that | 25 | 19 |
| (فعل یا صفت) + to - تکه علی | to account for | 48 | 41 |
| تکه علی قیدی | as described before | 46 | 40 |
| اصطلاحات دیگر | as well as | 116 | 111 |
| جمع | | 1423 | 1371 |

اندازه استفاده کرده‌اند. با این حال، رتبه عبارت استفاده‌شده برای هر دو گروه یکسان بود.

۳-۴. موقعیت توالی کلیشه‌ای

سؤال دوم پژوهش این بود که در کدام موقعیت‌ها (آغازین، میانی، پایانی) یک‌جمله، توالی‌های کلیشه‌ای در سخنرانی‌های زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بین‌المللی و زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بومی اتفاق می‌افتند؟ نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که ۷۶ درصد از توالی‌های کلیشه‌ای که توسط گویشوران غیربومی استفاده می‌شود در بخش اولیه اتفاق افتاده و ۲۴ درصد از آن‌ها در بخش میانی جملات اتفاق افتاده است، در حالی که ۷۲ درصد از توالی‌های کلیشه‌ای که توسط گویشوران بومی استفاده می‌شود در بخش جایگاه آغازین اتفاق افتاده است، ۲۷ درصد در قسمت میانی اتفاق افتاده و در بخش پایانی جملات کمتر از یک درصد اتفاق افتاده است.



شکل ۱، ۴. موقعیت توالی‌های کلیشه‌ای در یک‌جمله

طبقه‌بندی توالی‌های کلیشه‌ای نشان داد که بزرگترین طبقه ساختاری توالی‌های کلیشه‌ای، عبارت‌های حرف اضافه‌ای (prepositional phrases) بودند که حدود ۶۳۴ (با و بدون "of") تا از کل تعداد توالی‌های کلیشه‌ای را برای گویشوران غیربومی و ۶۱۵ تا را برای گویشوران بومی تشکیل می‌دادند. بنابراین، گویشوران انگلیسی‌زبان غیربومی نسبت به گویشوران بومی، بیشتر از عبارت‌های حرف اضافه‌ای استفاده می‌کردند. عبارت‌های اسمی (Noun phrases) با فراوانی کلی ۲۹۱ و ۲۹۰ توسط گویشوران غیربومی و گویشوران بومی به‌ترتیب استفاده می‌شدند و عبارت‌های فعلی (verb phrases) با فراوانی ۱۷۶ و ۱۳۵ به‌ترتیب توسط گویشوران غیربومی و گویشوران بومی استفاده می‌شدند. گروه توالی‌های کلیشه‌ای کمتر مورد استفاده قرار گرفته، عبارت فعلی + (verb + that clause) با فراوانی ۲۵ و ۱۹ به‌ترتیب برای گویشوران غیربومی و گویشوران بومی بود. همان‌طور که نشان داده‌شد، گویشوران غیربومی از توالی‌های کلیشه‌ای بیش از

در شکل ۱-۴ مشاهده می‌شود که چگونه توالی‌های کلیشه‌ای در پیکره‌های بومی و غیربومی مورد استفاده قرار گرفتند. گویشوران غیربومی بیشتر در ابتدای جملات از توالی‌های کلیشه استفاده می‌کردند و در پایان جملات از آن‌ها استفاده نمی‌کردند. اگرچه گویشوران بومی از توالی‌های کلیشه در سه موقعیت یک جمله استفاده می‌کردند، اما آن‌ها نیز بیشتر در موقعیت اولیه از توالی‌های کلیشه‌ای استفاده می‌کردند.

۵. بحث

پژوهش حاضر، با هدف بررسی توالی‌های کلیشه‌ای در دو پیکره، یعنی پیکره دانشگاهی گفتاری زبان مشترک انگلیسی و پیکره گفتاری دانشگاهی انگلیسی می‌شیگان انجام شد. در حقیقت، این پژوهش سعی در کشف بیشترین توالی‌های کلیشه‌ای کاربردی گویشوران انگلیسی زبان بومی و غیربومی داشت. افزون بر این، هدف آن شناسایی توابع متنی و ساختاری توالی‌های کلیشه‌ای کاربردی گویشوران بومی و غیربومی با توجه به فراوانی آن‌ها نیز بود. همچنین، موقعیت توالی‌های کلیشه‌ای در هر دو پیکره بررسی شد. با نگرش به پرسش نخست پژوهش، نتایج برآمده از تجزیه و بررسی داده‌ها نشان داد که به‌عنوان، به‌منظور، بقیه، نتایج، نقش، علوم اجتماعی، در این مطالعه، از نظر، و پژوهش حاضر as well as, in order to, the rest of, the results of, the role of, of social sciences, in this study, in terms of, and the present study به‌ترتیب بیشترین توالی‌های کلیشه‌ای کاربردی گویشوران غیربومی بودند و همچنین و نیز، بقیه، استفاده از، به‌منظور اینکه، به‌احتمال زیاد، پژوهش‌های حاضر، ارتباط بین، از نظر، و با این حقیقت که as well as, the rest of, the use of, in order to, more likely to, of present studies, the relationship between, in terms of, the role of, and the fact that به‌ترتیب بیشترین توالی‌های کلیشه استفاده شده توسط گویشوران بومی بودند. افزون بر این، نشان داده شد که گویشوران غیربومی بیش از حد از توالی‌های کلیشه‌ای استفاده می‌کردند. همچنین، هیچ تفاوتی بین پیکره‌های غیربومی و بومی با توجه به توابع متنی توالی‌های کلیشه‌ای وجود نداشت. نتایج این پژوهش نشان داد که ۱۴۲۳ توالی کلیشه‌ای و ۱۳۷۱ توالی کلیشه‌ای، به‌ترتیب توسط گویشوران غیربومی و بومی استفاده شده‌اند که برابر با ۲،۸ و ۲،۷ درصد از کل واژه‌هاست،

درحالی که در پژوهش‌های انجام شده توسط جلالی (Jalali, 2013)، ولی‌پور (Valipoor, 2010) و پرویزی (Parvizi, 2011)، درصد توالی‌های کلیشه‌ای متفاوت بود. به‌عنوان مثال، جلالی به‌ترتیب ۰،۲، ۰،۵ و ۱،۵ درصد را در سه پیکره از مقاله علمی پژوهشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد و تز دکترای زبان‌شناسی کاربردی شناسایی کرد، در حالی که ولی‌پور عدد ۱،۸ درصد را در ۴۰۰۰،۰۰۰ پیکره از مقاله‌های پژوهشی شیمی یافت. پرویزی (Parvizi, 2011) در پژوهش خود به‌عدد ۱،۹ درصد در یک پیکره ۲ میلیونی در گستره آموزش دست یافت. مقایسه‌ای بین بیست توالی‌های کلیشه‌ای اول در پژوهش حاضر و سه پژوهش یادشده دیگر نشان داد که توالی‌های کلیشه مشترک در میان آن‌ها عبارتند از: از طرف دیگر، براساس، و نیز on the other hand, on the basis of, as well as the of, با فراوانی‌های متفاوت و مواردی که در پژوهش حاضر موجود بود، اما در سه پژوهش دیگر نبودند؛ عبارتند از: of the present study, in the control group, in the current study, are shown in table, this study was to. کورتز (Cortes, 2004) با شناسایی و مقایسه پک‌های واژگانی در مقاله‌های منتشر شده و نوشتارهای دانشجویانی که در رشته‌های تاریخ و زیست‌شناسی مشغول بودند، نشان داد که ۰/۹٪ توالی‌های کلیشه‌ای در رشته تاریخ و ۱،۲٪ در زیست‌شناسی وجود دارند. در هر دو رشته مشخص شد که پک‌های عبارت‌گونه؛ ساختارهای پیشرو بودند، با این تفاوت که پک‌های تاریخ به‌دو گروه ساختاری عبارت‌های اسمی و حرف اضافه‌ای متعلق بودند، در حالی که در زیست‌شناسی، طیف گسترده‌ای از گروه‌های ساختاری پوشش داده می‌شدند.

مقایسه‌ای بین بیست پک اول پزشکی، تاریخ و زیست‌شناسی انجام شد و مشخص شد که فقط ۹ پک مشترک بودند (Baker, 2011) از جمله: the end of the, on the other hand, as well as the, at the end of, in the case of, on the basis of, in the absence of, it is possible of, that, in the presence of). مقایسه دیگری بین پک‌های یاد شده فوق در پژوهش حاضر و پژوهش انجام‌شده توسط هایلند (Hyland, 2008)، پک‌هایی را که مشترک نبودند، نشان داد: at the time of, were more likely to, in the control group, in the current study, are shown in table, his study was to, in the absence of

مطابق با یافته‌های چن و بیکر (Chen & Baker, 2010)

که نتیجه گرفتند که برخی از پک‌های واژگانی مختص رشته‌هایی‌اند که در این رشته‌ها شناسایی می‌شوند، اما در دیگر پژوهش‌ها مشاهده نمی‌شوند، مانند: *in the present study, at the time of, were more likely to, the results of the, of the present study, as shown in fig, in the control group, in the current study, are shown in table, this study was to, it is important to.* افزون بر این، در مقایسه با نتایج پژوهش حاضر و موارد پیشین، به‌این نتیجه رسیدند که توالی‌های کلیشه‌ای در زبان گفتاری بیشترین فراوانی را داشتند.

با توجه به پرسش دوم پژوهش، نتایج حاصل از تجزیه و بررسی داده‌ها، هیچ تفاوتی بین گویشوران غیربومی و بومی نشان نداد. جلالی (Jalali, 2013)، ولی‌پور (Valipoor, 2010) و پرویزی (Parvizi, 2011) دریافتند که به‌ترتیب ۷۵٪، ۵۵٪ و ۸۴٪ پک‌ها، عبارت گونه (phrasal) بودند. همانند پژوهش حاضر، در این پژوهش‌ها، عبارت حرف اضافه‌ای (با و بدون) + از (prepositional phrase (with and without) + of)، بیشترین توالی‌های کلیشه استفاده شده بودند. افزون بر این، چن و بیکر (Chen & Baker, 2010) نشان‌دادند که بیشتر سخنرانان کارشناس بومی، از طیف گسترده‌ای از عبارت‌های اسمی و حرف اضافه‌ای استفاده می‌کنند، در حالی که دانشجویان انگلیسی و چینی نسبت به نویسندگان خبره، بیشتر از پک‌های عبارت فعلی استفاده می‌کنند. کورتز (Cortes, 2004) در پژوهش خود نشان‌داد که پک‌ها در رشته تاریخ بیشتر عبارت‌های اسمی و حرف اضافه‌ای بودند، در حالی که در زیست‌شناسی طبقه‌بندی‌های ساختاری (structural categories) بیشتری یافت شدند. افزون بر این، مقایسه دیگری بین دانشجویان و نوشتارهای منتشر شده، نشان‌داد که بیشتر دانشجویان به‌ندرت از پک‌های شناسایی‌شده در نوشتارهای منتشر شده استفاده می‌کنند.

با توجه به‌آخرین پرسش پژوهش، نتایج تجزیه و بررسی داده‌ها نشان‌داد که هم گویشوران غیربومی و هم بومی از توالی‌های کلیشه‌ای در جایگاه آغازین بیشتر از سایر موقعیت‌ها استفاده می‌کردند و گویشوران غیربومی در پایان جملات از توالی‌های کلیشه‌ای استفاده نمی‌کردند.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با هدف کشف فراوانی توالی‌های کلیشه‌ای در زبان گفتاری در دو پیکره مختلف است که پیکره رونویسی شده (ترنسکرایب شده) دانشگاهی گفتاری زبان مشترک انگلیسی و پیکره گفتاری دانشگاهی انگلیسی می‌شیگان بودند. افزون بر این، این پژوهش تلاشی برای شناسایی فراوانی توالی‌های کلیشه در پیکره، با در نظر گرفتن توابع متنی و ساختاری آن‌ها بود. موقعیت توالی‌های کلیشه در جملات، در هر دو پیکره، هدف دیگر این پژوهش بود. در حقیقت، این پژوهش مقایسه‌ای را بین گویشوران انگلیسی زبان غیربومی و بومی انجام داده است تا ببیند که آن‌ها در استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای چگونه متفاوت یا مشابه بودند. برای این منظور، دو پیکره که شامل سخنرانی‌ها بودند، انتخاب شدند. یک پیکره شامل سخنرانی‌های گویشوران انگلیسی زبان غیربومی و گروه دیگر شامل سخنرانی‌های گویشوران انگلیسی زبان بومی بود. سرانجام، ۱۰۰۰۰۰ کلمه به‌طور تصادفی از هر دو پیکره استخراج شدند. بنابراین، از هر پیکره ۵۰،۰۰۰ کلمه انتخاب شد. چارچوب، هالیدی (Halliday, 2014) برای بررسی فراوانی توالی‌های کلیشه استفاده شد. فراوانی و موقعیت توالی‌های کلیشه‌ای با استفاده از نرم افزار Antconc مشخص شدند. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان‌داد که بیشترین توالی‌های کلیشه‌ای استفاده شده توسط گویشوران غیربومی عبارتند از: *as well as, in order to, the rest of, the results of, the role of, of social sciences, in this study, in terms of, and the present study* و بیشترین توالی‌های کلیشه‌ای استفاده شده توسط گویشوران بومی عبارتند از: *as well as, the rest of, the use of, in order to, more likely to, of present studies, the relationship between, in terms of, the role of, and the fact that* گویشوران غیربومی نسبت به گویشوران بومی از توالی‌های کلیشه‌ای بیشتری استفاده می‌کنند. افزون بر این، توالی‌های کلیشه‌ای مکانی- زمانی بیشترین توالی‌های کلیشه‌ای استفاده شده توسط گویشوران غیربومی و بومی بود و تابع شفاف سازی (clarification) کمترین مورد استفاده شده توسط هر دو گروه بود. نتایج تجزیه و بررسی داده‌ها همچنان نشان‌داد که عبارت‌های حرف اضافه‌ای بیشترین مورد استفاده شده هر دو گروه بودند. ساختار عبارت اسمی، دومین ساختاری بود

که توسط هر دو گروه بیشتر استفاده شده بود. ساختاری که کمترین مورد استفاده را داشت، ساختار عبارت فعلی + *that* بود. سرانجام، نتایج تجزیه و بررسی داده‌ها نشان داد که بیشتر توالی‌های کلیشه در موقعیت اولیه توسط هر دو گروه استفاده شدند. گویشوران غیربومی در پایان جمله از توالی‌های کلیشه‌ای استفاده نمی‌کردند، در حالی که گویشوران بومی استفاده می‌کردند.

یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند برای گروه‌های مختلف مفید باشد. داشتن مجموعه‌ای از توالی‌های کلیشه‌ای رایج نه تنها به دانشجویان کمک می‌کند تا برای مجلات بین‌المللی بهتر بنویسند، بلکه تا حد زیادی باعث صرفه‌جویی در زمان و انرژی می‌شود چرا که نویسنده دیگر نیازی ندارد به ترتیب واژه‌های مختلف یکی پس از دیگری فکر کند یا در استفاده از گروه خاصی از واژگان با هم تردید داشته باشد. همچنین برنامه‌ریزان تحصیلی و آموزشی می‌توانند فهرستی از توالی‌های فرمول‌واره‌ای را به صورت واژگان تکمیلی به فهرست واژگان کتاب‌های انگلیسی بیفزایند. از طرف دیگر، فهرستی از اصطلاحات استفاده شده متداول می‌تواند جایگزین فهرست‌های سنتی، واژگان نو در انتهای هر دوره، شود. به این ترتیب، زبان‌آموزان با داشتن بینش عمیقی در باره شیوه ترکیب این واژه‌ها با دیگر رشته‌های، مجبور نیستند فقط فهرست‌های طولانی از کلمات تکی را به خاطر بسپارند. افزون بر این، لیست‌های توالی‌های کلیشه فرصتی را برای زبان‌آموزان فراهم می‌آورد تا بتوانند واژگان طولانی‌تری را یاد بگیرند، در نتیجه سطح مهارت نوشتن خود را افزایش دهند. با استفاده از چنین فهرستی، دانشجویان همچنین می‌توانند با کارکردهای مختلف توالی‌های کلیشه‌ای در جمله و مکالمات

منابع

sequences. *International Journal of Applied Linguistics*, 27(1), 24-43.

Baker, W. (2011). Culture and identity through ELF in Asia: Fact of Fiction? In A. Cogo, A. Archibald, & J. Jenkins (Eds.), *Latest trends in ELF research* (pp. 35-52). Newcastle: Cambridge Scholars.

Bestgen, Y. (2017). Beyond single-word measures: L2 writing assessment, lexical

آشنا شوند. در نتیجه، مهارت گفتاری به شکل مطلوبی بواسطه رشته‌های چند کلمه‌ای برای همکنشی ساختاری مورد نظرشان مورد تاثیر قرار گیرد. افزون بر این، برنامه‌ریزان دوره‌ها برای شرکت‌های تجاری نیز می‌توانند از این مجموعه‌ها بهره‌مند شوند، زیرا معرفی عباراتی که بیشتر در گفتار و نوشتار اصیل مورد استفاده قرار می‌گیرند، راه را برای افزایش اعتبار و پذیرش بین‌المللی محصول نهایی هموار می‌سازد.

برخی محدودیت‌ها در پژوهش حاضر وجود داشتند. اول از همه، سخنرانی‌های گویشوران متعلق به افراد مختلف با ویژگی‌های مختلف بودند. این‌ها عواملی‌اند که برای ایجاد یک نمونه همگن قابل کنترل نیستند. دوم، ژانر سخنرانی‌ها قابل کنترل نبود که ممکن است بر نتایج پژوهش تأثیر بگذارد. سخن آخر اینکه، نرم افزار Antconc نتوانست بین سخنرانی‌های مختلف تفاوتی ایجاد کند و آن‌ها را به عنوان یک کل در نظر گرفت.

از آنجا که محدودیت‌هایی وجود داشتند، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سخنرانی‌های ارائه شده توسط گویشوران انگلیسی زبان ایرانی با هر دو گروه گویشوران بومی و غیربومی مورد مقایسه قرار گرفتند تا دریابیم که چگونه کاربران انگلیسی زبان ایرانی ممکن است در زمینه استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای، متفاوت یا مشابه آن‌ها باشند. همچنین می‌توان پژوهش دیگری را برای تشخیص اینکه آیا ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر استفاده از توالی‌های کلیشه‌ای تاثیر دارند یا نه، انجام داد. افزون بر این، می‌توان پژوهشی نیز برای مقایسه زبان نوشتاری و گفتاری گویشوران انگلیسی زبان غیربومی و گویشوران بومی انجام داد.

Altenberg, B., & Tapper, B. (1998). The use of adverbial connectors in advanced Swedish learners' written English. In S. Granger (Ed.), *Learner English on computer* (pp. 80-93). London: Longman.

Laurence, A. (2007). AntConc 3.2.1 program.

Appel, R., & Trofimovich, P. (2017). Transitional probability predicts native and non-native use of formulaic

richness and formulaic competence. *System*, 69, 65-78.

Biber, D., Johansson, S., Leech, G., Conrad, S., Finegan, E., & Hirst, G. (2002). *Longman Grammar of Spoken and Written English*. London: Longman.

Boers, F., & Lindstromberg, S. (2008). From empirical findings to pedagogical practice. In F. Boers & S. Lindstromberg (Eds.), *Cognitive linguistic approaches to teaching vocabulary and phraseology* (pp. 375-393). Berlin, Germany: Mouton de Gruyter.

Bolton, K., Nelson, G., & Hung, J. (2002). A corpus-based study of connectors in student writing. *International Journal of Corpus Linguistics*, 7(2), 165-182.

Buerki, A. (2018). 1. Formulaic sequences: a drop in the ocean of constructions or something more significant? In *Formulaicity and Creativity in Language and Literature*. Taylor & Francis.

Chen, W. Y. C. (2006). The use of conjunctive adverbials in the academic papers of advanced Taiwanese EFL learners. *International Journal of Corpus Linguistics*, 11(1), 113-130.

Chen, Y., & Baker, P. (2010). Lexical bundles in L1 and L2 academic writing. *Language Learning & Technology*, 14(2), 30-49.

Conklin, K., & Schmitt, N. (2008). Formulaic sequences: Are they processed more quickly than nonformulaic language by native and nonnative speakers? *Applied Linguistics*, 29 (1), 72-89. <https://doi.org/10.1093/applin/amm022>

Connor, U. (1996). *Contrastive rhetoric: Cross-cultural aspects of second-language writing*. Cambridge: Cambridge University Press.

Cortes, V. (2004). Lexical bundles in published and student disciplinary writing: examples from history and biology. *English for Specific Purposes*, 23, 397-423.

Creswell, W. J. (2014). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. USA: Sage Publication.new

Ellis, N. C. (2008). Usage-based and form-focused SLA: The implicit and explicit learning of constructions. In A. Tyler, K.

Yiyoung, & M. Takada (Eds.), *Language in the context of use: Cognitive and discourse approaches to language* (pp. 93-120). Amsterdam: Mouton de Gruyter.

Field, Y., & Yip, L. M. O. (1992). A comparison of internal conjunctive cohesion in the English essay writing of Cantonese speakers and native speakers of English. *RELC Journal*, 23(1), 15-28.

Ford, C. E. & Thompson, S. A. (1986). Conditionals in discourse: A text-based study from English. In E. Traugott, C. Ferguson, J. S. Reilly, & A. ter Meulen (Eds.), *Linking adverbials* (pp. 353-372). Cambridge: Cambridge University Press.

Granger, S., & Tyson, S. (1996). Connector usage in the English essay writing of native and non-native EFL speakers of English. *World Englishes*, 15(1), 17-27.

Halliday, M. A. K. (2014). *Halliday's introduction to functional grammar*. Oxen: Routledge.

Howarth, P. (1998). Phraseology and second language proficiency. *Applied linguistics*, 19(1), 24-44.

Hyland, K. (2008). Academic clusters: Text patterning in published and postgraduate writing. *International Journal of Applied Linguistics*, 18(1), 1-9.

Jalali, H. (2013). Lexical bundles in applied linguistics: Variations across postgraduate genres. *Journal of Foreign Language Teaching and Translation Studies*, 2(2), 1-29.

Jalilifar, A. (2008). Discourse markers in composition writings: The case of Iranian learners of English as a foreign language. *English Language Teaching*, 1, 114-122.

Jiang, N. A., & Nekrasova, T. M. (2007). The processing of formulaic sequences by second language speakers. *The Modern Language Journal*, 91(3), 433-445.

Kremmel, B., Brunfaut, T., & Alderson, J. C. (2017). Exploring the role of phraseological knowledge in foreign language reading. *Applied Linguistics*, 38(6), 848-870.

- Lei, L. (2012). Linking adverbials in academic writing on applied linguistics by Chinese doctoral students. *Journal of English for Academic Purposes*, 11(3), 267-275.
- Le-Thi, D., Rodgers, M. P., & Pellicer-Sánchez, A. (2017). Teaching formulaic sequences in an English-language class: the effects of explicit instruction versus coursebook instruction. *TESL Canada Journal*, 34(3), 111-139.
- McGuire, M., & Larson-Hall, J. (2017). Teaching formulaic sequences in the classroom: Effects on spoken fluency. *TESL Canada Journal*, 34(3), 1-25.
- Milton, J., & Tsang, E. S. C. (1993). A corpus-based study of logical connectors in EFL students' writing: directions for future research. In R. Pemberton & E. S. C. Tsang (Eds.), *Studies in lexis* (pp. 215-246). Hong Kong: The Hong Kong University of Science and Technology Language Centre.
- Myles, F., & Cordier, C. (2017). Formulaic sequence (FS) cannot be an umbrella term in SLA: Focusing on psycholinguistic FSs and their identification. *Studies in Second Language Acquisition*, 39(1), 3-28.
- Parvizi, N. (2011). *Identification of discipline-specific lexical bundles in education*. Unpublished master's thesis, University of Kashan, Kashan, Iran.
- Rahimi, M. (2011). Discourse markers in argumentative and expository writing of Iranian EFL learners. *World Journal of English Language*, 1, 68-78.
- Schmitt, N. (2004). *Formulaic sequences: Acquisition, processing and use*. Amsterdam: John Benjamins.
- Schmitt, N., Jiang, X., & Grabe, W. (2011). The percentage of words known in a text and reading comprehension. *The Modern Language Journal*, 95(1), 26-43.
- Staples, S., Egbert, J., Biber, D., & McClair, A. (2013). Formulaic sequences and EAP writing development: Lexical bundles in the TOEFL iBT writing section. *Journal of English for academic purposes*, 12(3), 214-225.
- Talebinejad, M. R., & Namdar, A. (2011). Discourse markers in high school textbooks in Iran. *Theory and Practice in Language Studies*, 1, 1590-1602.
- Valipoor, L. (2010). *A corpus-based study of words and bundles in chemistry research articles*. Unpublished thesis. University of Kashan.
- Wang, Y. (2017). Lexical bundles in spoken academic ELF: Genre and disciplinary variation. *International Journal of Corpus Linguistics*, 22(2), 187-211.
- Wang, Y. (2018). As Hill seems to suggest: Variability in formulaic sequences with an interpersonal function in L1 novice and expert academic writing. *Journal of English for Academic Purposes*, 33, 12-23.
- Wood, D. (2006). Uses and functions of formulaic sequences in second language speech: An exploration of the foundations of fluency. *Canadian Modern Language Review*, 63(1), 13-33.
- Wood, D. (2010). *Formulaic language and second language speech fluency: Background, evidence and applications*. London: Continuum.
- Wray, A. (2008). *Formulaic Language: Pushing the Boundaries*. Oxford: OUP.
- Wray, A. (2017). Formulaic sequences as a regulatory mechanism for cognitive perturbations during the achievement of social goals. *Topics in cognitive science*, 9(3), 569-587.
- Zareva, A. (2011). And so that was it': linking adverbials in student academic presentations. *RELC Journal*, 42(1), 5-15.
- Zhang, Z. (2000). Cohesive features in the expository writing of undergraduates in two Chinese universities. *RELC Journal*, 31(1), 61-95.